

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

۱۵۰ خرداد ماه ۱۳۴۸ - ژوئن ۱۹۸۹ ۵۰ ریال

نامه به نمایندگان پارلمان اروپا

به موجب گزارش
خبرگزاریهای خارجی اخیراً
۳۰۰ تن از نمایندگان
پارلمان اروپا طی بیانیه ای
پیشنهاد کرده اند که بهتر
است شورای ملی مقاومت
بعنوان بدیل رژیم خمینی و
نماینده مردم ایران شناخته
شود.

۷

روز جهانی کودکان

روز اول ماه ژوئن برابر با
یازدهم خرداد ماه، از سوی
فدراسیون دمکراتیک بین المللی
زنان، بعنوان روز جهانی
کودک تعیین شده است.
جهان مترقی ارزش ویژه ای
برای پرورش جسمی و روحی
کودکان قائل بوده و از فراهم
ساختن هیچ امکانی در جهت
تامین مسائل آموزش کودکان

۴

بیانیه دفتر سیاسی

بمناسبت درگذشت
آیت الله خمینی

مردم دربند ایران
خلق قهرمان کرد
اعضاء و پیشمرگان مبارز حزب
دمکرات کردستان ایران
آیت الله خمینی بنیادگذار
و رهبر جمهوری اسلامی ایران
درگذشت و ایرانی و ایران و
جنگ زده، منزوی از جامعه
بین المللی، با آینه شده ای
تاریک و نگران کننده، و با
اقتصادی ورشکسته، در بیابان
فضای سیاسی و اجتماعی
سنگین و خفقان آور بدنبال
خود بحای گذاشت.

۲

سخنی چند در مورد کتاب آقای بنی صدر

اخیراً "آقای بنی صدر کتابی بزبان
فرانسه به اسم "توطئه آیت اللهها"
در پاریس با همکاری یک روزنامه نگار
فرانسوی بنام "ژان شارل دونیسو"
منتشر نموده است.

در این شماره:

- ۱۲ ★ دمکراسی فردی و عدالت اجتماعی
- ۶ ★ فعالیت در خارج از کشور
- ۱۰ ★ کلچرینی از فعالیت پیشمرگان حزب
- ۱۹ ★ چند خبر مهم ایران و جهان
- ۲۰ ★ نه سال کار بدون وقفه
- ۲۰ ★ ادامه جنایات رژیم در کردستان

پایان سال تحصیلی ۶۷ - ۶۸

سال تحصیلی به پایان رسد و محصلین و معلمان
بعد از ۹ ماه سعی و کوشش، قاعدتاً در آستانه
چند ماه استراحت و کسب انرژی بیشتر برای سال
تحصیلی آینده قرار دارند. اما گرفتاریها و
کمبودها و محرومیتهای معلمان و دانش آموزان که
البته جلوه ای از گرفتاریهای عمومی مردم ایران
است چنان است که آنچه بنام تعطیلات و استراحت
برایشان وجود دارد، شاید تعطیلات کلاسها باشد
ولی در عمل، از استراحت و تجدید قوای ذهنی و جسمی

بیانیه دفتر سیاسی

اینست که نامه ۶۰ سال فرمات...
 فردی، که هنگامیکه در میان موج عظیمی
 از امید و آرزوی مردم بپاخته ایران
 زمام قدرت را بدست گرفت وعده میداد که
 ایران را به گلستانی معطر تبدیل خواهد
 نمود، اثری از ظلم و تعدی و بیعدالتی
 باقی نخواهد گذاشت، استثمار را ریشه کن
 خواهد کرد، و کار و نان و رفاه و سعادت
 بایرمان خواهد آورد!
 نام آیت الله خمینی، بعنوان کسیکه
 در پیروزی قیام یکپارچه مردم و سرنگون
 کردن نظام منسوخ و منفور سلطنتی در
 ایران نقش بسیار موثری داشت بدون شک
 در تاریخ باقی خواهد ماند، و لیکن در عین
 حال، دستهای آلوده بخون دهها هزار از
 بهترین و برجسته ترین فرزندان کشورش،
 خودکامگی و فشار و اربابی که با قساوت
 پیمانندی بر ایران تحمیل کرد، و زنجیر
 گرانی که بدست و پای مردم ایران بست،
 همگی از عواملی هستند که شاید تمام
 خمینی را بعنوان بزرگترین شاماننده
 و افشاگر محتوای ارتجاعی و خودکامانه
 و ضد خلقی یک نظام مذهبی در تاریخ
 معاصر ایران و جهان به ثبت برسانند.
 ریزی که آیت الله خمینی تحت نام
 جمهوری اسلامی ایران بنیاد گذاشته
 است نه هیچ شباهتی به یک جمهوری دارد، و
 نه از اسلام - آنگونه که در اذهان مردم
 عادی نقش بسته بود - اثری در آن میتوان
 یافت. این رژیم در واقع رژیم خمینی
 است. یعنی رژیمی است که همچون یک لباس
 ویژه تنها بقامت خود خمینی دوخته شده
 است و پس، در نتیجه وابستگی رژیم
 جمهوری اسلامی به وجود شخص خمینی بسیار

بیشتر از وابستگی رژیم سلطنتی است بینه
 وجود شخص محمد رضا شاه، و در چنین وضعی
 واضح است که این رژیم نیز همچون صاحبش
 نمیتواند عمر درازی داشته باشد و بیگمان
 در نبود خمینی بسیار زود بسوی تغییری
 و نابودی خواهد شتافت!

این رژیم از هم اکنون سنگ اساسی
 زیربنای خود را که حکومت مذهب، یعنی
 تبعیت سیاست و امور حکومتی از مذهب
 باشدکنار گذاشته است. خمینی فاقد
 جانشین مذهبی است و تنها جانشین سیاسی
 دارد که همان افراد و داروستان خود
 باشند. در نتیجه از این بعد امر نظارت
 بر رعایت اصول و سنت های مذهبی در دست
 کسانی خواهد بود که هر چند از آیت الله -
 های عظمی و مراجع تقلیدند اما از امور
 حکومتی و فرمانروایی بدور هستند و معلوم
 نیست که نظراتشان آنگونه که آنان انتظار
 دارند در امور حکومتی رعایت گردد. این
 هم در واقع بمعنی تبعیت مذهب است از
 سیاست و از مصالح حکومتی و کشورداری.
 یعنی عکس اصل ولایت فقیه!

بنابر این نظامی که تحت عنوان جمهور
 اسلامی پس از درگذشت آیت الله خمینی
 میخواید همچنان بعمر خویش ادامه دهید
 به دو دلیل کاملا لریزان و ناپایدار است:
 نخست - از آن جهت که هم چنانکه
 اشاره شد، سنگ زیر بنای خود را که
 تبعیت سیاست از مذهب باشد بناچار
 به کنار نهاده است.

دوم - از آن جهت که این نظام در جوهر
 و محتوای خود یک نظام دیکتاتوری است.
 یعنی نظامی که تنها بر پایه وجود شخص
 واحدی بعنوان دیکتاتور میتواند قوام
 بگیرد، و با شکل شورایی و حکومت جمعی
 بکلی بیگانه است. از اینرو تضاد و اختلاف
 و نزاع داخلی بناچار آنقدر ادامه خواهد

داشت تا یکی بتواند دیگران را بشناسی از میدان بدر کنده این نزاع مداوم داخلی که موجب خون از دست دادن مستمر میگردد میتواند تا آن حد ادامه یابد که بسه از نفس افتادن همگی و مرگ یکبارۀ رژیم بیانجامد!

بدیهی است که بحرانهای موجود اقتصادی و اجتماعی هم در همان حال که بعزت این تضادها و اختلافها عمیق تر و گسترده تر خواهند شد خود نیز بر نزاع داخلی اثر خواهند گذاشت و آنرا تشدید خواهند کرد.

لیکن یک دیوار لرزان بدون آنکه از خارج هم فشاری بر آن وارد شود ممکن است تا مدتی دراز همچنان برسر پا بماند و درهم نریزد. اینجا است که نقش ایوزیسیون مترقی و انقلابی ایران بصورت برجسته ای نمایان میشود. آیا نیروهای دمکرات و جمهوریخواه ایرانی همچنان به تنهایی و هر کدام از جانب خویش نظاره گر تحولات درونی رژیم و مناظر تضعیف و نابودی خود بخودی آن خواهند ماند و یا برعکس بصورتی فعال بمدان خواهند آمد و با اتحاد و اجتماع نیروهای خویش در فوق دادن رژیم بسوی نابودی و نشستن برجای او عملاً نقشی موثر بر عهده خواهند گرفت؟ حزب دمکرات کردستان ایران در این موقعیت مهم و حساس که بدنبال درگذشت خمینی پیش آمده است یکبار دیگر همه نیروهای مترقی دمکرات و جمهوریخواه را فرا میخواند که مسئولیت مهمی را که تاریخ بر دوش آنها گذاشته است بخوبی احسان کنند و برای ایجاد یک جبهه متحد صمیمانه و فعال تلاش ورزند.

تا آنجایی که به کردستان مربوط است، مردم کردستان افتخار میکنند که از همان

آغاز روی کار آمدن خمینی، بسیار زود به ماهیت رژیم پی بردند و در برابر آن قاطعانه موضع گرفتند. در مدت ۱۰ سال گذشته علیرغم همه فشار و خفقان و سرکوب و کشتاری که از سوی رژیم خمینی نسبت به مردم کردستان اعمال شده است، کردستان بسان کوههای گردنکش و سربلندش همچنان محکم و استوار برپای ایستاده است و در برابر دیکتاتوری و خودکامگی خمینی و رژیمش سر خم نکرده است. از اینرو بیگمان اکنونکه با درگذشت خمینی رژیم لرزان و بیبایه آخوندی هم سریعتر از گذشته بسوی درهم ریختگی و نابودی میرود، کردستان سربلند و سرخت پیگیرتر و مصممتر از گذشته به مبارزه قهرمانانۀ خود در راه آزادی و دمکراسی ادامه خواهد داد و روز بروز ضربات کاریتری بر پیکر رژیم وارد خواهد آورد.

* سرنگون باد رژیم واپسگرا و ضد خلقی خمینی!

* متحد باد مبارزه نیروهای دمکرات و مترقی ایران علیه دیکتاتوری و خودکامگی!

* پیروز باد مبارزه قهرمانانۀ مردم نستوه کردستان در راه دمکراسی و خودمختاری!

دفتر سیاسی

حزب دمکرات کردستان ایران

پانزدهم خردادماه ۱۳۶۸

بقیه از صفحه ۱

روز جهانی کودکان

دریغ نمی‌ورزد - از دیدگاه محافل و مجامع پیشرفت‌ساز و ترقیخواه، کودکان از ویژگی‌های روحی و روانی خاص خود برخوردارند، نیازها و احتیاجات بخصوصی دارند و بطریق اولی دارای حقوق غیرقابل انکاری هم هستند.

کودکان امروز زنان و مردان آینده جامعه هستند. هر اندازه امروز به امر آموزش و پرورش آنها اهمیت داده شود به همان نسبت جامعه، آینده پیشرفته‌تری خواهد داشت.

گذشته از این واقعیت کودکان به دلیل صغر سن از لحاظ تجربه و آگاهی در مراحل ابتدائی حیات بسر می‌برند، و لذا قادر به دفاع از حقوق خویش و تامین يك زندگی ایده‌آل نیستند. هم از اینرو همچنانکه شاهدیم مجامع و سازمان‌های گوناگون و فراوانی در سراسر جهان به دفاع از حقوق و خواسته‌های کودکان و تامین این حقوق و خواسته‌ها برخاسته‌اند. همچنین مراکز و بنیاد‌های بزرگ بسیاری در شهرهای مختلف جهان وجود دارند که بمنظور ارتقاء کیفیت رشد کودکان تشکیل یافته‌اند.

روز جهانی کودک نیز قدم دیگر بشریت پیشرفته و آگاه در این عرصه است. روزی است که اجتماع خیرخواه و دلسوز جهانی

آنگونه که باید زندگی کودکان را مورد بازنگری قرار دهد و پر کمبودها و مشکلات آنان انگشت بگذارد و حکومتها را به سمت تامین حقوق ویژه کودکان تحت فشار قرار دهد. روز جهانی کودک فرصت مناسبی است برای انسانهای آگاه و دلسوز و روشنفکر که ضمن دست‌زدن به کوشش‌های همگانی جهت تضمین آینده‌ای روشن برای این نسل نهالان عزیز، به آنان هدیه بدهند، دسته گل تقدیمشان کنند، بهارانی از عطف و شفقت و مهربانی بر سرشان ببارانند و آنان را با نسیم امید بخش صلح و آزادی جانی ترازه بپوشند.

بدیهی است وضعیت کودکان نیز در هر کشوری همچون دیگر پدیده‌ها به سطح پیشرفت و ترقی آن کشور بستگی دارد. اگر در میان خلق‌های متفکر و حکومتها و جوامع پیشرفته و ترقیخواه آنگونه که باید و شاید به کودکان اهمیت داده شده و آنان احترام گذاشته می‌شود، در بخش وسیعی از این جهان که هنوز حکومت‌های ضد خلقی و واپسگرا زمام امر را در دست دارند، نه تنها هیچ اهمیتی به آینده کودکان داده نمی‌شود، بلکه به شیوهی بسیار غیر انسانی استعمار می‌شوند. این موجودات بی‌غل و غش و این غنچه‌های باغ زندگی در اوج محرومیت و بی بهره‌گی از امکانات فرهنگی و بهداشتی و دیگر مواهب

زندگی در میان آتش جنگ طلبان پیر می‌شوند، کمرشان در زیر سنگینی بار کار خنم شده و در راه اهداف پلید و غیر انسانی طبقات و اقشار استثمارگر و سود پرست قربانی می‌گردند. ما در حالی روز جهانی کودک را گرامی می‌داریم که در قیاس با کودکان جهان، کودکان ایرانی بلحاظ وضاحت وضعیت زندگی وضعیت ویژه‌ای دارند. پلاهایی که رژیم فعلی ایران طی ده سال اخیر بر سر کشور ما آورده است و بدلیل سهمناکی‌شان دیری است در سطح جهان انعکاس یافته و جوامع بشری را با بهت و حیرت روبرو ساخته است بیشتر از هر بخش از جامعه ایران کودکان را دربر گرفته است. جنگ که بزرگترین دستاورد کارگزاران رژیم آخوندی برای مردم ایران بوده کودکان شور ما را دچار سیمروزی نموده است. صدها هزار خانواده آواره شده و ناچار از ترك خانه و کاشانه خود گشته‌اند، هزاران خانواده دیگر یا به تمامی از صحنه روزگار محو شده‌اند و یا چند تن از عزیزان خود را از دست داده‌اند و در این میان کودکان بسیاری از نعمت داشتن پدر و مادر و سرپرست محروم مانده‌اند. همچنین باید تاثیرات روانی از هم پاشیدن خانواده‌ها و وقایع جنگ بر کودکان را هم در نظر داشته باشیم، که بدون نشر دید بدین

زودیه‌ها رفع نخواهد شد. گذشته از پیش آمدن این وضع که می‌توان گفت غیر مستقیم زندگی کودکان ایرانی را در وضعیت ناهنجاری قرار داده است، حکومت و پاسگرای ایران بطور مستقیم هم و به شیوه‌ای بسیار بی‌رحمانه کودکان ایران را در کام اژدهای جنگ انداخته است و میدانیم که طی مدت هشت سال جنگ با عراق هزاران نوجوان و جوان تازه بدوران رسیده ایران در جبهه‌های جنگ و بر روی میادین مین عراق جان خود را از دست داده‌اند.

علاوه بر این مسائل، در ایران آخوندی نه تنها هیچ قدم مثبتی جهت بهبود وضع آموزش و پرورش که جزو اساسی‌ترین و مهمترین وظیفه هر حکومتی است برداشته نشده است، بلکه بر وخامت آن نیز افزوده شده است. تحصیل مجانی عملاً ملغی گشته است. کتب و نوشت افزار بشماره بی‌سابقه‌ای بالا رفته است و هر چه رتبه تحصیلات دانش آموز ارتقا می‌یابد بر میزان نرخ نام نویسی هم افزوده می‌گردد و نبودن های مدرسه با غارت دانش آموزان و خانواده‌هایشان رفع می‌شود. در حالیکه هر سال حدود ۱ میلیون کودک بر تعداد دانش آموزان ایران افزوده میشود وضع معلمان از لحاظ مالی و کیفی تعداد مدارس و دیگر امکانات تحصیل بسیار بلند می‌آید.

طبق اقرار نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دیگر کارگزاران حکومت، هزاران مدرسه کشور به محل استقرار افراد سپاه پاسداران، بسیج، بنیاد مستضعفان و جهاد سازندگی تبدیل شده‌اند. محله‌هایی هم که دانش آموزان در آنها به تحصیل مشغولند شباهتی به مدرسه ندارند و در واقع از لحاظ جا و مکان و امکانات تحصیلی دارای وضع رقتباری هستند. به این مساله هم نمی‌پردازیم که دانش آموز در طول روز چند ساعت مشغول تحصیل است؟ چه چیزی را فرا می‌گیرد و به چه شیوه‌ای به وی تعلیم داده می‌شود که به نفع رژیم بر علیه نزدیکترین افراد خانواده و خویشان خود به جاسوسی بپردازد؟

گذشته از این وضعیت کلی، کودکان خلقهای محروم از حقوق ملی در ایران بسیار کمتر از کودکان دیگر بخشهای ایران به امکانات تحصیل دسترسی دارند. آنها هم که بظاهر از امکانات آموزشی برخوردارند، بدیهی است از حق تحصیل بزرگان مادری خویش بی بهره هستند و باید بزبان فارسی که در حقیقت زبان غیر بومی آنهاست به تحصیل بپردازند و در همان حال هم بسیاری اوقات شاهد بی حرمتی به زبان و ملیت خودشان باشند و دم بر نیاروند. از لحاظ محتوای آموزشی نیز با اصطلاح برنامه‌هایی که برای

آموزش و پرورش کودکان ایران در نظر گرفته شده‌اند، درست همان چیزهایی هستند که از مغز بیمار آخوندها تراوش می‌کند و غیر از مباحثی چون شهادت، صحرای کربلا و جنگ یزید و حسین چیز دیگری در آنها بچشم نمی‌خورد. یعنی به کودکان بجای امید دادن به افق روشن تر و نیل به زندگی بهتر، راه تن دادن به مرگ و هر چه زودتر رسیدن به بهشتی نشان داده می‌شود که آخوندها نوید آنرا داده‌اند.

در کشوری که از این همه امکانات طبیعی برخوردار است، میلیونها کودک ایرانی گذشته از اینکه از تحصیل محروم هستند ناچارند بمنظور سیر کردن شکم خویش به هر کاری تن در دهند. در کوچه‌ها و خیابانهای هر شهری دهها کودک که مشغول پادویی و دستفروشی هستند نظرمشان را جلب می‌کنند. در کوره‌پزخانه‌ها و کارگاههای قالیبافی دهها هزار کودک که کمتر از ۱۵ سال سن دارند بدون اینکه در آمد چندانی عایدشان شود در روز چندین ساعت کار سنگین مشغولند. در روستاهای کوردستان و بسیار دیگر بخشهای ایران کودکان جهت امرار معاش باید در کارهایی نظیر دامداری، کشاورزی و دیگر کارهای کوناگون به پدر و مادر زحمتکش و کم درآمدشان یاری رسانند.

فعالیت در خارج از کشور

شرکت در کنگره حزب سوسیالیست ایتالیایی در پی دعوت حزب سوسیالیست ایتالیا، هیاتی از حزب دمکرات گوردستان ایران بسرپرستی نماینده حزب در خارج از کشور در چهل و پنجمین کنگره حزب سوسیالیست ایتالیا که از تاریخ ۲۳ تا ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۸ (۱۳ تا ۱۸ ماه مه ۱۹۸۹) در شهر "میلان" برگزار شد، شرکت نمود. علاوه بر هیاتهای نمایندگی حزب سوسیالیست ایتالیا از سراسر آن کشور ۱۰۶ هیات نمایندگی از سراسر جهان در آن شرکت داشتند.

در چهل و پنجمین کنگره حزب سوسیالیست ایتالیا اهمیت خاصی به مسأله دگرگونی وضع جهانی و پیوندهای منطقه خاورمیانه داده شد و تعقیب و گسترش آن توصیه گردید. هیات نمایندگی حزب دمکرات گوردستان ایران در جریان پنج روز کار کنگره با تعدادی از هیاتهای نمایندگی احزاب و سازمانهای سوسیالیست و دمکرات و جنبشهای آزادیبخش و نیز نمایندگان رسانهها، گروهی از جمله تلویزیون ایتالیا دیدار نمود و صاحببمطالعه آورد. در این دیدارها نماینده حزب دمکرات توضیحات مبسوطی در مورد وضعیت کنونی مبارزه خلق کرد در گوردستان ایران، سیاستهای سرکوبگرانه و مردمی رژیم نسبت به خلقهای ایران، پیوندهای خلق کرد را تشریح نمود و

در صفحه ۴

کشورماست. تراژدی این وضع دلخراش هنگامی بهتر خود را می نمایاند که تاثیر شرایط و موقعیت سیاسی کشور و فشار و اختناق رژیم بر خانوادهها را نیز در نظر داشته باشیم.

شاید برای افکار عمومی جهان عجیب بنظر برسد که در حالیکه روز ۱۱م خرداد ماه در اکثر کشورها به کودکان هدیه داده می شود، در کشور ما کودکان بسیاری در برابر دیدگان والدینشان مورد شکنجه قرار می گیرند تا پدران و مادرانشان از اعتقادات و باورهای خود عقب نشینی کرده و تسلیم رژیم گردند. آری! در ایران آخوندی کم نیستند کودکانی که در محیط زندانهای رژیم متولد می شوند، همانجا پستان می گیرند و بزرگ می شوند، کودکانی که پدران و مادرانشان در سیاهچالهای رژیم اسیرند، و سرانجام کودکانی که به هدف تسلیم پدران و مادران مبارزانشان از سوی رژیم بگروگان گرفته شده اند.

ما بمناسبت روز جهانی کودکان پیش از همه به کودکان خلق تحت ستم کرد و کودکان خلقهای دیگر ایران و سپس به تمامی کودکان جهان تبریک می گوئیم و مبارزه در راه تحقق یک زندگی مطلوب، سعادت مند برای آنان را وظیفه خود می دانیم.

مسأله بهداشت و تندرستی هم که از دیگر شروط پرورش کودکان است، همپنانکه می دانیم در ایران وضع اسفباری دارد. وضع نابسامان اقتصادی و پایین بودن سطح فرهنگ در هر کشوری البته بر وضع بهداشت و تندرستی کشور نیز تاثیرات نامطلوبی خواهد داشت. اما گذشته از این، در کشوری که بحتر اعظم ثروت و امان آن صرف استحکام پایه های دیکتاتوری می گردد، در کشوری که بخش کثیری از آگاهان و متخصصان بهداشت و درمان ناچار از جلا وطن شده اند، در کشوری که زیارت امامزادهها از داروهای طبی موثرتر پنداشته می شود، روشن است که دارو کمیاب می شود، نرخ ویزیت اطبا افزایش می یابد، امراض مری شیوع پیدا می کنند و زایشگاه، بیمارستان، درمانگاه و خدمات درمانی گسترش نخواهند یافت. طبیعی است که در چنین اوضاع و احوالی روزی بر دامنه امراض و بیماریها افزوده می گردد و هر روز صدها کودک بعلت ضعف جسمی و امراضی چون سبل، سرخسک، اسهال و ... هلاک می شوند.

کودکی، محرومیت از تحصیل و بهداشت، اشتغال به کارهای سنگین و طاقت فرسا و دور بودن از آب و هوای نریز، امطانات زندگی گوشه ای از زندگی تلخ کودکان

نامه به نمایندگان پارلمان اروپا

بقیه از صفحه ۱

اروپا در مورد تعیین جانشین برای رژیم خمینی و تعیین شورای ملی مقاومت به مثابه نماینده مردم ایران، با اعتراض و انتقاد همهٔ اپوزیسیون ایران روبرو گردیده است. زیرا این امر در واقع دخالت در امور داخلی کشور ما و تعیین تکلیف برای مردم ایران است. در رابطه با این مسئله، از سوی چند شخصیت سیاسی که دوفتر از آنان نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران را دارند، نامه ای خطاب به نمایندگان پارلمان اروپا منتشر شده است که ذیلا از نظر می‌گذرد:

والبت... بیانیهٔ مذکور، بیانیهٔ رسمی پارلمان اروپا نبوده و از طرف پارلمان اروپا در مورد آن تصمیمی اتخاذ نگردیده است. یعنی در واقع به مثابه نظر آزادانه و شخصی آن عده از نمایندگان پارلمان اروپا است که این بیانیه را امضا نموده اند. بویژه که دوره فعلی پارلمان اروپا نیز به کار خود پایان داده است و در انتخابات تازه که طی ماه جاری میلادی در کشورهای اروپایی برگزار می‌شود، نمایندگان دیگری برای پارلمان مزبور برگزیده خواهند شد. با وجود این، نظر نمایندگان پارلمان

نمایندگان محترم مجلس اروپا!

توجه و حساسیت شما نسبت به نقض حقوق بشر در ایران و مواضع شما علیه سرکوب و کشتار مردم ایران در خور ستایش و قدر دانی است. صدور بیانیه ای به امضای ۳۰۰ نفر از نمایندگان مجلس استراسبورگ که دولتهای اروپا را به اتخاذ مواضع قاطع و اعمال فشار نسبت به رژیم خمینی که تجسم تروریسم دولتی و بین المللی و کهنه پرستی در جهان معاصر است فرا میخواند، پاسخی مساعد به مطالبات برحقوق مردم ایران و سازمانهای سیاسی مخالف رژیم جمهوری اسلامی است.

اما متأسفانه امضا کنندگان این بیانیه با پیشنهاد شورای ملی مقاومت بعنوان نیروی جانشین رژیم خمینی و نمایندهٔ مردم ایران دچار خطائی جدی شده اند که در سنین و صلاحیت مجالس اروپا نیست. امضا کنندگان بیانیه مسلماً اطلاع دارند که اپوزیسیون ایران در برگیرندهٔ طیف بسیار وسیعی از نیروهای متفاوت سیاسی است و شورای ملی مقاومت که فقط نمای نیروی سازمان مجاهدین خلق است نیرویی غیر دمکراتیک بشمار میرود و نمایندهٔ اقلیت کوچکی نیست.

ما توجه نمایندگان مجلس اروپا را باین نکته جلب میکنیم که تعیین نمایندهٔ مردم ایران چه در داخل و چه در خارج از کشور حق مسلم ایرانیان و نیروهای سیاسی آنهاست. بنابراین ما امضا کنندگان این نامه با دیدگاههای مختلف سیاسی از مجلس اروپا میخواهیم که در نخستین نشست خود این بیانیه را مورد تجدید نظر قرار دهد.

بقیه از صفحه ۱

می سازد .

در اینجا ما قصد بررسی همه موضوعات کتاب آقای بنی صدر را نداریم و تنها می خواهیم به مسائل کوردستان که در کتاب در چند مورد به آن اشاره شده بپردازیم و بویژه هدف ما بیشتر تصحیح بعضی حقایق تاریخی است که آقای بنی صدر دانسته یا ندانسته آنها را تحریف کرده است .

نخست باید گفت جای تأسف بسیار است که آقای بنی صدر جنگی را که هم اکنون در حال است در کوردستان ادامه دارد نادیده گرفته و توجهی به آن ننموده است . انگار که در کوردستان " خبری نیست " ! در حالیکه در صفحه ۸۲ کتاب خود به اهمیت این جنگ اعتراف می کند و می نویسد ، (... ما سه لشکر در کوردستان داشتیم که بلوکه شده بود .) بطور کلی او همان موضعی را دارد که جمهوری اسلامی چندین سال است برگزیده است و آن هم عبارتست از سکوت کامل در مورد جنگ و رویدادهای کوردستان . آقای بنی صدر حتی در این رابطه از نامه های که از سوی کمیته مرکزی و دبیرکل حزب ما

سخنی چند در مورد کتاب آقای بنی صدر

عقیده خود را آزادانه در مورد مسائل گذشته و حال کشور ابراز کند . اما آقای بنی صدر متأسفانه تحلیلهایی دارد که در بسیاری موارد جای بحث و گفتگو و تردید فراوان هستند مانند نوشته های قبلی ، آقای بنی صدر در این کتاب نیز خود را در مرکز حوادث قرار داده است . در نتیجه خواننده چنین استنباط می کند که هر آنچه روی می دهد ، از کورگانگیری در سفارت آمریکا در تهران گرفته تا روی کار آمدن ریگان و تحمیل حجاب و غیره همه بخاطر شخص او یا علییه شخص او انجام می گیرد و خلاصه آنکه آقای بنی صدر محور همه رویدادهاست . باین همه در کتاب موضوعات بسیاری برای نخستین بار مورد بحث و مذاقه قرار گرفته که جلب توجه می کند و خواننده را با برخی از جریانات پشت پرده و روابط درونی قدرت حاکم در ایران آشنا

بقیه :

نامه به نمایندگان پارلمان اروپا

۱. بابک امیر خسروی ، عضو هیئت اجرائیه حزب دمکراتیک مردم ایران .
۲. بیژن حکمت ، عضو شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران .
۳. ناصر رحیم خانی ، عضو هیئت سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران .
۴. حسن شریعتمداری ، عضو شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران .
۵. هیبت الله غفاری ، عضو هیئت سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران .
۶. علی محمد فرخنده چهرسی ، عضو هیئت سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران .
۷. عبدالله قادری ، عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران و مسئول حزب در اروپا .
۸. عبدالرحمن قاسملو ، دبیر کل حزب دمکرات کوردستان ایران .
۹. عضو شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران .

گروه‌های غیر مسئول می‌شوند که قصد دارند جنگ برادر کشی دیگری را در کردستان بر راه بیاورند. تردیدی نیست که چنین جنگی نتایج فاجعه‌آمیزی برای انقلاب و ستاوردهای آن به بار خواهد آورد. "ناسفانسه آقای بنی‌صدر به دعوت حزب مایاسخ مثبتی نداد و اقدامی بعمل نیاورد. در نتیجه جنگ مجدداً آغاز شد و حوادث بمردی بر پیش‌بینی حزب مایاسخ گذشت.

کردستان ایران ده سال است در آتش جنگ می‌سوزد و تعداد افراد مسلح رژیم که در کردستان کشته شده‌اند با اضافه ساکنان بیدفاع شهرها و روستاهای کردستان و پیش‌مرگانی که شهید شده‌اند از صد هزار نفر متجاوز است و شهرها و روستاهای ایران مردم آواره و دریدر همه از نتایج این جنگ است. زندان و شکنجه و اعدام و کشتار ده‌ها هزار نفر از فرزندان خلق کرد وقتل عام زنان و کودکان در ده‌ها روستای کردستان، این است آنچه جمهوری اسلامی برای مردم کردستان به ارمغان آورده است. مردمی که تنها جرمشان دفاع از هویت ملی و آزادی و شخصیت انسانی خویش است. اما آقای بنی‌صدر در سرتاسر کتاب ۲۴۶ صفحه‌ای خود جایی برای اینکه حتی در یک جمله این همه جنایت را محکوم کند پیدا نکرده است. با اینکه او علاقه فراوانی به مسائل مذهبی نشان می‌دهد. کوچکترین اشاره‌ای به اعلان جهاد خصمی علیه مردم مسلمان کردستان در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ ننموده و

بدان معناست که پس از ده سال آقای بنی‌صدر اعلان جهاد از سوی آخوندی را که مرجع تقلید است و آن هم علیه خلق مسلمان کرد و اسلامی تلقی می‌کند و از محکوم کردن آن ابا دارد؟ آیا بهتر نبود آقای بنی‌صدر اشاره کوچکی به خط مشهور خود در دوران ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا می‌کرد که به نیروهای مسلح دستور می‌داد بشود یونین‌هایتار را باز نکند تا کردها را کاملاً سرکوب نکرده‌اید؟

آقای بنی‌صدر در صفحه ۱۲۳ اظهار عقیده می‌کند که ارتش باید مدافع آزادی‌های ملی باشد و امنیت داخلی و تضمین آزادی‌های مدنی "به خود مردم مربوط است و ما هر آنچه را که در ساختار ارتش اجازه می‌داد جامعه مدنی را تحت کنترل خود در بیاورد. طغی کردیم! اما سؤالی که در این رابطه پیش می‌آید این است: ارتشی که مدافع آزادی‌های ملی شده و امنیت داخلی کشور را به مردم سپرده و در کار جامعه نیز دخالت نمی‌کند، چگونه هم در زمان ریاست جمهوری آقای بنی‌صدر هم بعد از آن مرتکب این همه جنایت در کردستان گردیده است؟ ده‌ها هزار نفر از مردم بیدفاع را کشته و مجروح و بی‌خانمان ساخته و شهرها و روستاهای کردستان را که بخشی از مهن ما ایران است، ویران نموده است؟ نکند آقای بنی‌صدر کردستان ایران را حد الز کشور ایران تلقی می‌کند و خلق کرد را ایران را، ایرانی نمی‌داند که به ارتش با اصلاح مدافع آزادی‌های ملی حق جنگ بدهد. اگر در

چند جا اسبی از کردستان برده شده صریحاً و یا تلویحاً با جنبش کردستان مخالفت شده و حتی فراتر از آن به این جنبش تهمت و افترا نیز وارد آمده است.

آقای بنی‌صدر در صفحه ۲۳ از نکته‌های سخن می‌گوید که "حاکمی از حمله نظامی عراق با موافقت آمریکا بیهوا به ایران بود" و سپس در صفحه ۲۴ می‌نویسد: "بمنظور خنثی کردن ارتش، این نکته قیامها و جنگی را در کردستان پیش‌بینی می‌نمود. اخیراً حزب قاسملو، حزب دمکرات کردستان ایران، مدتی منتشر ساخته مبنی بر اینکه این سازمان رقیب او، کومله، کمونیست گرا بود که می‌تواند جنگ در کردستان شد. در حقیقت این جنگ با حمله عراق مرتبط بود."

در صفحه ۲۵ چنین می‌خوانیم: "توطئه‌ها، قیام کردها، واغتشاشات در شهرها تصادف می‌نمود. این نقشه ضد انقلاب بود. در صفحه ۸۰ از زبان اریک رولو خبرنگار روزنامه لوموند چنین می‌نویسد: "اریک رولو روزنامه‌نگار فرانسوی که در قاسملو ملاقات کرده و سپس به بغداد مسافرت کرده بود، در یک مقاله در روزنامه لوموند اظهار نظر نمود که بغداد کرد ها را آلت دست قرار داده و خواست خود مختاری بهانه‌ای پیش نبرد." (تأکیدار ما است). در صفحه ۹۴ می‌خوانیم: "هنگامیکه روشن شد که عراق در جنگ پیروز نخواهد شد، مجدداً اغتشاشات در کردستان و آذربایجان غربی شروع شد."

خلاصه آقای بنی‌صدر می‌گویند

کردستان ایران را به بیگانگان نسبت بدهد و متأسفانه همان حرفی را می زند که سالیان دراز در زبان محمدرضا شاه و در اردو ستهاش بود .

و اما واقعیات بسیار سرسخت تر از آنند که با چنین ادعاهای بی اساسی بتوان آنها را تغییر داد . برای کمک به حافظه آقای بنی صدر باید گفت که اولاً " پس از جنگ سنندج در نوروز ۱۳۵۸ که از سوی آخوند صفدری همراه انداخته شد و پس از پیاده کردن توطئه طرح ریزی شده که بر اثر تیراندازی ناجوانمردانه به میتینگ مسالمت آمیز حزب دمکرات در نقده در اردیبهشت ماه همانسال به جنگ برادر کشی سرورزه انجامید ، آقای خمینی در روز ۲۸ مرداد ماه ۱۳۵۸ علیه خلق کرد اعلان جهاد داد و جنگ سراسری در کردستان آغاز گردید . آقای بنی صدر تسلسل رویدادها را طوری ارائه می کند که گویی اگر جنگ ایران و عراق و جنگ کردستان در یک روز شروع نشده باشند ، تنها چند روز باهم فاصله داشته اند . در صورتی که شروع جنگ در کردستان ایران در مرداد ۱۳۵۸ با حمله عراق در شهریور ماه ۱۳۵۹ بیش از یکسال فاصله دارد .

آقای بنی صدر تمام این رویدادها را سکوت می گذارد و از جایی شروع می کند که بتواند وابستگی جنبش کردستان ایران به عراق را به اثبات رساند .

کردستان بدست پیشمرگان افتاد . از آبان ماه سال ۵۸ تا چند روز پس از نوروز سال ۱۳۵۹ ، مدت شش ماه مذاکرات پراکنده ای نخست بین " هیأت نمایندگی خلق کرد " و نمایندگان دولت مو - پس بین حزب دمکرات و نمایندگان شخص خمینی و رژیم صورت گرفت . لیکن بزودی معلوم شد که آخوندها تنها بظنطور کسب وقت مذاکره می کنند . در آن هنگام آقای بنی صدر به ریاست جمهوری انتخاب شده بود و حزب ما با او تماس گرفت . در آخرین دیدار ، آقای بنی صدر به فرستاده حزب دمکرات در تهران گفت طرح شش ماده ای حزب دمکرات را می پذیرد که متأسفانه در کتابش اشاره ای به این امر نکرده است . در نوروز ۱۳۵۹ هم در کامیاران و هم در اطراف ارومیه دیگر جنگ بین قوای دولتی و پیشمرگان شروع شده بود و آنچه آقای بنی صدر در مورد جنگ طلبی کومهله در صفحه ۸۰ نوشته مربوط به درگیری شدید ارتش در سنندج می شود که پس از درگیریهای کامیاران و ارومیه روی داد و البته این همان جنگی بود که پس از آتش بس ماه آبان آخوندها با همه امکانات آن را تدارک می دیدند . اصل قضیه بدینصوال بود که ارتش قصد داشت از پارکان سنندج خارج شود و پس از عبور از داخل شهر که در کنترل پیشمرگان بود کویا بمنظور جلوگیری از حمله عراق به مرز ایران و عراق برود . معلوم بود که این عمل ارتش باغای خرنیت . چرا که در حرکت ارتش در سنندج و در حمله آن به مرز ایران و عراق بود .

پیشمرگان در داخل شهر و بدست گرفتن کنترل آن بود . اختلاف حزب دمکرات با کومهله بر سر این بود که حزب ما سعی می کرد از بروز درگیری در داخل شهر سنندج جلوگیری بعمل آورد و پیشنهاد می کرد که در صورت لزوم برخورد با ارتش به خارج شهر کشانده شود تا مردم بیدفاع قربانی نشوند . و متضرر نگردند . اما کومهله سرانجام در داخل شهر به ارتش حمله کرد و شهر سنندج تبدیل به میدان جنگ گردید . این جنگ هزاران کشته و مجروح برجای گذاشت و ویرانی و خسارت فراوانی ببار آورد . در واقع مسبب اصلی جنگ همان گردانندگان جمهوری اسلامی بودند که قبلاً آن را تدارک دیده بودند . اما عدم احساس مسئولیت کومهله در قبال مردم شهر موجب شد که درگیری در داخل شهر سنندج صورت گیرد .

بنابراین اینکه آقای بنی صدر می گوید هنگامی که روشن شد عراق در جنگ پیروز نخواهد شد مجدداً " اغتشاشات در کردستان آغاز گردید ، تحریف آشکار واقعیت است . چرا که اولاً " از نوروز سال ۱۳۵۹ تاکنون جنگ در کردستان هیچگاه قطع نشده است تا مجدداً " از سر گرفته شود . ثانیاً " کوچکترین رابطه ای بین جنبش کردستان از یک طرف و دولت عراق و نفته های حمله به ایران از طرف دیگر وجود نداشته است ، تا بتوان این جنبش را وابسته به عراق قلمداد نمود . ثالثاً " حزب دمکرات در نامه های سرکنشده به خمینی و خود آقای بنی صدر در رابطه با تدارک جنگ از سوی یاسد اران و عوامل

شماره ۱۵۰ از صفحه ۱

پایان سال تحصیلی

۶۸ - ۶۷

اثری در آن نیست. چرا که رویه مرفه در نظام آخوندی برای جوانان امدان فوق العاده کمی برای رفع خستگی و گردش و تفریح سالم وجود دارد. نخست باید گفت که با بسته شدن دریاچه مدرسه‌ها در واقع یک دوره محدودیت که شبیه به محدودیت زندان است برای میلیون‌ها محصل در سنین مختلف شروع می‌شود. بخصوص اکثریت عظیمی از دانش آموزان خردسال در شهرهای بزرگ بعلت شلوفی شهر و خطرناکی از قبیل تصادفات و بمبیل و غیره مجبورند در چهار دیواری منازل با محدودیت‌های بسیار بسربرند. نه پدران و مادران را فراغتی هست که آنها را به گردش ببرند و نه خود قادر به این کار هستند.

بعلاوه شمار بسیاری از دانش آموزان بعلت فقر خانواده و نداشتن امدانات مالی، بجای استراحت و تفریح مجبورند به کارهای پر زحمت و در عین حال کم درآمد روی آورند. عده زیادی از آنها که قادر به پیدا کردن کار نیستند در خیابانها بفروش بپردازند یا به

می‌زنند تا شاید درآمدها ناچیزی بسبب کنند. البته تلاش برای معاش ویژه دانش آموزان نبوده و معلمین و دبیران هم به گرانمایه‌های زندگی و داشتن حقوق ناآافی، مجبورند برای وصله پینه کردن امور زندگی، به نارهائی از قبیل دایر کردن کلاسهای درس خصوصی و انراغ کار آزاد که در بسیاری از موارد باسلیقه آنان سازگوار نیست، پردازند و اعصاب فرسوده‌شان را فرسوده‌تر کنند. آن گروه از دانش آموزان هم که بعد از سالها رنج و مشقت بالاخره توانسته‌اند دوره دبیرستان را بپایان برسانند و دیپلمه شوند، یا گرفتاری بسیار بزرگی روبرو هستند. اکثر آنها خواهان ورود به دانشگاهها و مدارس عالی هستند. ولی دانشگاهها و مدارس عالی کشور دارای آن ظرفیتی نیستند که همه آنها را پذیرا شوند. بخصوص که رژیم آخوندی از امسال تصمیم گرفته است ۴۰ درصد از ظرفیت دانشگاهها را به کسانی اختصاص دهد که در حبه‌ها شرکت کرده یا بسیجی و پاسدار و غیره بوده‌اند. در این صورت معلوم است که چنانچه دیپلمه‌هایی از پیش از نظر خاید سیاسی و شیوه اندیشه ناملا متجبی می‌نمایند و از سوی

توانست به دانشگاهها و دانشسراها راه یابند. در نتیجه امسال شمار بیستری از فارغ التحصیلان دبیرستانها بیکار و سرگردان خواهند ماند و دهها هزار نفر دیگر به جمع بیکاران شهر خواهند پیوست. با چنین وضعی، آیا جامعه آموزشی ایران بعنوان یکی از اقشار مهم روشنفکری جامعه چه باید بکند؟ تن به قضا و قدر بسپارد و بنشیند و بمرورگار نفرین کند؟ یا به انجام وظائف بیاندیشد که در قبال سرنوشت خود و دیگران برعهده دارد؟ دیکتاتوری سیاه آخوندی میخواهد که نفسها را در سینه‌ها حبس کند؛ مردم را بصورت بره‌های مطیع درآورد و امدان ابراز هرگونه اندیشه، ترقیح خواهانه و سازنده را از آنان بگیرد، و رویه مرفه ایران را بصورت زندان خاموشی درآورد که بی‌شش نباشند. اما سنت مبارزاتی جامعه آموزشی ایران در گذشته این بوده است که هرگز در قبال دیکتاتوری و سرنوشت و خفقان بی تفاوت نباشد. از اینرو در ایام تیره و تاریک خفقان و دشتار امروزی نیز، شایسته است بهر صورتی که میسر است این سنت انقلابی را پاسداری و مسؤولیتی را در دنیای منحول امروزی نسبت به نسلهای فردا دارد.

دمکراسی فردی و عدالت اجتماعی

هفته نامه "عصر جدید" چاپ مسکو که علاوه بر زبان روسی به زبانهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی، اسپانیایی، پرتغالی، ایتالیایی، لهستانی، چکی و یونانی هم منتشر میشود در شماره سیزدهم امسال خود (۲۸ مارس تا ۲ آوریل) و در آستانه برگزاری کنگره هیجدهم حزب کمونیست ایتالیا مصاحبه ای با آشیل اوچتو دبیر کل این حزب ترتیب داده است. در این مصاحبه

اوچتو ضمن پرداختن به مسائل مختلف عصر حاضر بر ضرورت تحقق دمکراسی سیاسی در سوسیالیسم تاکید میگذارد. حزب کمونیست ایتالیا که بزرگترین حزب کمونیست در اروپای غربی است از اوایل دهه ۱۹۷۰ دیکتاتوروری پرولتاریا را از برنامه خویش حذف کرده است. در زیر برگردان قسمتهایی از مصاحبه رهبر حزب کمونیست ایتالیا بنظر خوانندگان گرامی "کوردستان" میرسد.

در پاسخ به اولین سؤال خبرنگار آقای اوچتو اظهار میدارد:

"... ما باید از همکاری جهانی و دمکراسی جهانی هدف رفیعتوری بنا کنیم؛ چرا که روز بروز بیشتر روشن میگردد که بشریت سرنوشت مشترکی دارد. در نتیجه ملتها باید مشکلات خود را به اتفاق هم حل و فصل نمایند. دو مساله باید همیشه مورد توجه قرار گیرد: نخست مساله دمکراسی بعنوان اصل مشترک و عمومی برای همه، و سپس مساله عدالت و همبستگی نه فقط در یک کشور خاص بلکه در تمام جهان. بدین علت است که ما از دمکراسی بعنوان راهی به سوسیالیسم صحبت میکنیم. دمکراسی اساس هرگونه پیشرفتی در آینده است.

هنگامیکه خبرنگار "عصر جدید" نظر حزب کمونیست

تابعیت دولت از حکومت قانون، آزادی فردی، توسعه دمکراسی و عدالت اجتماعی جویا میشود، آشیل اوچتو پاسخ میدهد:

اساس اندیشه تبعیت دولت از حکومت قانون به این مفهوم است که به موجب آن روابط بین مردم بوسیله قوانین مصوب خود آنها معین شود و نه قوانینی که بطور دلخواه و بدون مشورت جمعی بوجود آمده اند. در میان این قوانین باید تضمینهایی درباره حقوق و آزادیهای اساسی، و در مرحله اول حق بیان آزاد عقاید گوناگون موجود باشد. حق آزادی و استقلال فرد برسمیت شناخته شود و در برابر تجاوز و دست اندازی از سوی دولت و سایر مراکز قدرت تضمین گردد. در مرحله دوم عملکرد دمکراتیک دولت ضروری است. از اینرو دمکراسی نباید بعنوان شکلی

از حکومت شناخته شود که تمام جوانب زندگی برخواسد و اراده مردم متکی بوده و رای آزاد و مستقل انتخاب گردد، و در آن جایی بر تصمیم گیری بعنوان يك امتیاز اجتماعی یا خودسری فزونی و دولتی موجود نباشد.

در این زمینه دو مساله خصوصاً مهم اند: نخست دمکراسی اقتصادی، یعنی دمکراتیزه نمودن قدرت مالم و اقتصادی که مشکل بزرگ جوامع سرمایه داری است. دو ضرورت مهم در این زمینه است: تسکین ناپذیر حکومت ها که به تکیه بر بوروکراسی و تحسار تدریجی به حقوق دمکراتیک درصدد حکومت کردن بر همه کس و همه چیزاند.

ما به حکومتی نیاز داریم که بجای حکومت کردن بتواند الگوهای فعالیت دولتی خصوصی و تعاونی را نهاد

بینند... این اندیشه اساس اسناد مقدماتی کنگره ما را تشکیل میدهد.

عصر جدید راجع به رابطه میان دموکراسی و عدالت اجتماعی از آشیل اوچتو سوال می‌کند و وی در جواب می‌گوید: ایده عدالت اجتماعی می‌تواند و باید از طریق اجرای جامع و پیوسته اصل دموکراسی درک گردد. در واقع، اگر دموکراسی بمعنای آزادی تصمیم گیری اجتماع در تمامی مسائل مربوط بدان است باید همه عوامل سازنده نابرابری را از سر راه بروز آگاهانه و آزادانه اراده مردم برداریم. که این کار بر عدالت اجتماعی که بعنوان حق برخورداری از امکانات برابر باشد تاثیر قابل ملاحظه ای خواهد گذاشت.

این به معنای آنستکه برای يك حکومت عادل کافی نیست بلحاظ نظری این حقوق را برسمیت شناخته باشد بلکه این حقوق باید بوسیله ضمانتهایی حمایت گردند.

رالف داهیندروف اقتصاد دان لیبرال دمکرات آلمانی مثال گویایی در این مورد آورده است. در محله‌های سیاه نشین نیویورک حق آموزش بزرگسالان جوانان سیاه پوست برسی شده شناخته شده و مدارس دایر

مرورزند. حتی بعضی از مدارس تعطیل شده اند. چراکه جوانان بعزت بسی اعتمادی و عدم سازش با محیط و ناامیدی که اغلب به استفاده از مواد مخدر و جرائم منتهی میشود از رفتن به مدارس خودداری می‌کنند. بنابراین از نظر قانونی حق تحصیل وجود دارد همانطور که حق استفاده از امکانات برابر هم موجود است. اما برای استفاده از این حقوق زمینه محکمی وجود ندارد.

بنابراین مفهوم عدالت اجتماعی با ایده دموکراسی مخالف نبوده، بر عکس دموکراسی تنها زمانی میتواند تکمیل و بی عیب گردد که حقوقی را که پایه‌های آنرا تشکیل میدهد تضمین نماید.

عصر جدید از اوچتو سوال می‌کند؛ در بحثهای گوناگون غالباً اصول آزادی فردی بر مفاهیم دموکراسی و عدالت اجتماعی تفوق پیدا می‌کند. آیا آزادی فردی مقدم است یا گسترش دموکراسی و عدالت اجتماعی؟

آشیل اوچتو جواب میدهد: به عقیده من فکر کردن بر حسب اینکه اصلی بر سایر اصول مقدم است درست نیست زیرا تمام اصول بطور تنگاتنگی بهم مربوطند، و تحریم تاریخی نشان میدهد که ما تنها بطور

تجارب دو انقلاب بزرگ جهانی که دنیای مدرن شاهد آنها بوده است نظر بیافکنیم - انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب روسیه - خواهیم دید که تقدم یکی از این ایده‌ها بر ایده‌های دیگر نتایج عکس‌بیار آورده و مانع از آن شده است که همه زنان و مردان به احساس آزادی کامل و کسب شخصیت انسانی خویش دست یابند...

آزادی فردی البته یک ارزش بنیانی است، اما اگر آنرا بطور مجرد در نظر بگیریم، مفهوم اصلی خود را از دست داده و به اندیویدو-الیزم افراطی تبدیل می‌گردد. در کنار آزادی فردی باید سایر آزادیها تضمین شده باشد و گرنه آزادی فردی از اصل خود تهی شده و به تباهی کشیده میشود. برای مثال آزادی کسانیکه کنترل اهرمهای قدرت از قبیل موسسات بزرگ صنعتی یا وسایل ارتباط جمعی را در دست دارند، به معنی محدود کردن و حتی نفی آزادی دیگران است. نیروهای چپ در دموکراسی -

های غربی می‌گویند که در قامرو توزیع مجدد درآمد، تامین امنیت اجتماعی و حقوق اجتماعی کارهای قابل توجهی بانجام رسیده است. اما تضادهایی که بموجب آن آزادی عده ای وسیله سرکوب عده دیگری

مانده است .

مثلاً : تمام کارهای بزرگ، عملاً خارج از چار چوب دمکراسی و کنترل مردم بانجام میرسد . ما باید در جامعه جدید مفهوم آزادی را خیلی بیش از اینها توسعه بدهیم . به همین علت است که ما وظیفه بنیادینی هم در ایتالیا و هم در اروپا برای خود معین کرده ایم و آن نیل به دمکراسی در اقتصاد است . بعبارت دیگر شرکت دادن کارگران در کنترل و پرونده گردآوری ثروت عمومی منظور دمکراسی در حوزه اقتصادیات است

از سوی دیگر توجه بیسابقه به گسترش عدالت اجتماعی که بعنوان لازمه برابری عمومی تفسیر شده و رشد نقش دولت بعنوان تضمین کننده این عدالت اجتماعی به ایجاد یک سیستم بوروکراتیک و انحصار قدرت در دستگاه دولت منتج گردیده است .

امروزه در جوامع زاده شده

از انقلاب شوروی و با وجود آمده از روی مدل آن این واقعیت خود را نشان میدهد که مالکیت دولتی بر وسائل تولید بطور اتوماتیک دمکراسی گسترده تر و حقوق وسیعتری را برای شهروندان به بار نمی آورد . بنابراین ثروت مراجعه به عقاید اصلی مارکس پییش می آید که بر آن بود مساله مالکیت وسایل تولید تنها وسیله ای برای آزادی انسان است نه هدفی در نفس خود .

تجارب دو انقلاب عصر جدید مؤید این اندوه که ارزشهایی که ما داریم در باره آنها محبت میکنیم یکی بر دیگری رجحان نداشته بلکه همزمان باید بدانها نایل آمد .

جوامع مبتنی بر امل آزادی فردی در تلاش رسیدن به عدالت بیشتر و سوسیالیزم اند . در مقابل جوامع مبتنی بر ایده برابری اقتصادی و عدالت اجتماعی در جستجوی آزادی بیشتر هستند . این هر دو جامعه بر اساس دمکراسی و احترام به

حقوق مدنی ، به آنچه که دستچوبش هستند توانستند رسید .

عصر جدید در آخرین سوا خود از آشیل اوچتو میبرد در نتیجه گیری بر اساس جوابهای شما آیا میتوانی بگوئید در باره این روابط بین مردم دنیا با هم و شهروندان با حکومتها خوشبین هستید یا بدبین ؟

آشیل اوچتو در جواب اظهار میدارد : سوال شما را با کلمات کمونیست بزرگ ایتالیا آنتونیو گرامشی ، پاسخ بگویم که درباره بدبینی از دانش و خوشبینی نسبت به اراده صحبت است ، دانش نمیتواند بدبین باشد اما نظر به مشکلات و خطرات مهمی که امروزه با آنها روبروست عناصر از بدبینی را در خود دار ولی دانش رهنمودمان میدهد

بقیه در صفحه ۴

بقیه :

فعالیت در خارج از کشور

جمله گفت :

"سأله" خلق کرد در ایران يك سؤاله داخلی نیست ، بلکه در اینجا ابتدائی ترین حقوق انسانی و ملی خلق با ۸ میلیون جمعیت پایمال می گردد . بهمین خاطر این وظیفه سازمان ملل و دیگر نهاد های مدافع

را از مبارزات خلق کرد اعلام نمودن و حقوق بشر و نیز تمام احزاب و سازمانهای دمکرات و آزادیخواه است که از مبارزه این خلق ستندیده برای آزادی و دمکراسی پشتیبانی کنند ."

بیانات نماینده حزب مورد تأیید احزاب و سازمانها و شخصیت های مختلف قرار گرفت و با استقبال گرم آنان روبرو شد و این احزاب و سازمانها و شخصیت ها پشتیبانی خود



بقیه از صفحه ۱۱

با انجام برساند .
 جوانان دیپلمه و دانشجو ،
 نه در مقایسه با دانش آموزان
 از ارشدیت و بلوغ سنی و فکری
 بیشتری برخوردارند میتوانند با
 تشدید تیمهای ورزشی و
 مطالعاتی و غیره از انحراف و به
 فساد کشیده شدن دانش آموزان
 جلوگیری نموده و از طریق تشکیل
 محافل ابتکاری در بین
 مردم به روشنگری بپردازند .
 میدان مبارزه وسیع است و
 اشکال گوناگونی دارد که
 میتوان از هر یک از آنها برای
 تشکل و آگاهی مردم استفاده
 کرد .

معلمان هم نه پرورش -
 دهندگان نسل جوانند ، باید
 توجه داشته باشند که وظیفه
 آنها تنها به چهار دیواری
 مدارس و دبیرستانها و
 آموزش مواد درسی محدود
 نمی شود و بالا بردن سطح آگاهی
 و دانش زندگی جوانان از
 مسؤولیتهای اساسی آنهاست .
 تشکل های گوناگون صنفی و
 فرهنگی و هنری و ورزشی و
 غیره ، و حرکت های منطبق با شرایط
 مبارزه ، میتوانند در دیوارهای
 دینتاتوری شکافهای بزرگی
 بوجود آورند و به بازارات
 آزاد یحواخانه عمومی را بطور
 مستمر بر توانر نمایند . نیاید
 از نظر دوردات که دینتاتورها
 هیچگاه به میل و اراده خود از
 میدان بدر نخواهند رفت و این
 حرکت هم به بنا بافتنه

مردم است که میتواند بسط
 زور و زورگویی آنها را برپینند .
 اما نخستین گام برای ایجاد
 این حرکت ، آگاهی است و اینرا
 هیچکس بهتر از روشنفکران و
 از جمله جامعه آموزشی ،
 نمیتواند انجام بدهد .

در گوردستان که محرومیت ،
 بهره محرومیت آموزشی و فرهنگی
 به مراتب بیشتر از دیگر جاهاست
 وظیفه جامعه آموزشی باز هم
 جدی تر و سنگین تر
 است . اگر در سایر نقاط ایران
 جنبش تشکلی برای پیوستن یا
 یاری رساندن به آن وجود
 نداشته باشد ، در گوردستان
 چنین جنبشی مدتهاست وجود
 دارد . بنابراین حالا که
 معلمین و محصلین گوردستان
 فراغتی دارند ، برای بهتر
 ادا کردن سهم خود در مبارزه
 انقلابی گوردستان میتوانند در
 محل زندگی خود ، چه در شهر
 و چه در روستا ، هر کس با توجه
 به توان و موقعیت خود به
 ابتکاراتی دست بزنند که
 هدف آنها در نهایت همراهی
 کردن و هماهنگی نمودن با
 جنبش انقلابی و مبارزه
 مسلحانه پیسرگان گوردستان
 است .

جوانان درد خود میدانند که
 بدلت اینک نمیتوانند " مکتبی "
 و آخوند پسند باشند ، بسیار
 مشکل به دانش آنها راه
 می یابند و بیشتر از جوانان سایر
 بخشهای ایران با سرگردانی و
 ستار دست به میان جاه

بقیه از صفحه ۱۴۰

دمکراسی فردی و عدالت اجتماعی

که اراده مشترک یعنی کوششهای
 مشترک زنان و مردانی که در پی
 تغییر مسیر روندهای موجود
 در جهانند . میتواند ما را کماب
 کند از سرنوشتی که بر ایمان تدارک
 دیده غده بگریزیم . در این
 معنی نشانه های امیدوارکننده
 ای در ارتباط با تغییرات
 مثبت تازه در جهان پدیدار
 شده است . دمکراتیزاسیون ،
 روند صلح آمیز توسعه ، و خلع
 سلاح که تا بحال قابل تصور
 نبود ، اعتقاد ما را تایید
 میکند که بشر شانس پیروزی
 دارد .



بود . از اینرو از آنان انتظار
 میرود که بجای گذراندن عمر
 خویش در راههای بی حاصل ،
 و زندگی در یک محیط خالی
 از هرگونه آزادی انسانی ،
 بصفوف حزب دمکرات گوردستان
 ایران بپیوندند و سرنوشت خود
 را به سرنوشت خلق خویش
 گره بزنند . این مشروع ترین
 انتظار است که هر آب و خاک
 از جهان را در پی دارد .

بقیه از صفحه ۱۰

سخنی چند در مورد کتاب آقای

بنی صدر

آخوند ها در کردستان چندین بار هشدار داد و چند بار نیز بوسیله نامه خصوصی و از طریق فرستادگان ویژه با آقای بنی صدر ارتباط برقرار کرد که متأسفانه هیچ کدام ثمر واقع نشدند .

بدین ترتیب جای تأسف است که آقای بنی صدر بدون توجه به این واقعیت ها جنبش مردمی کردستان را که در همه شرایط اصالت و استقلال خود را حفظ کرده ، این جنبش تخطئه می کند و مهر وابستگی به بیگانگان را به آن می زند . اگر این جنبش جنبشی اصیل و گسترده و برخوردار از پشتیبانی بی نظیر مردمی نبود ، آنگاه چگونه می توانست در انتخابات مجلس در سال ۱۳۵۸ که تحت نظر دولت مرکزی انجام گرفت بیش از ۸۰٪ آرا مردم کردستان را کسب کند ویا دبیرکل آن علی رغم همه موانع نیرنگ های انتخاباتی به عضویت مجلس خبرگان انتخاب شود ؟

در اوایل مهرماه ۱۳۵۹ چند روز پس از شروع جنگ ایران و عراق هنگامی که پاسداران قصد انحلال ارتش و مبادرت به جنگ چریکی علیه عراقی را دارند ، آقای بنی صدر از فرماندهان پاسداران سوال می کند : " اگر از ارتش صرف نظر کنیم ، آیا شما قادرید به تنهایی جنگ چریکی را ادامه دهید ؟ از سوی دیگر آیا این امکان را دارید که به تنهایی در کردستان و آذربایجان (مقصود آقای بنی صدر مناطق کوردستان و آذربایجان غربی است)

مقابله کنید تا ارتش برای مقاومت در برابر تهاجم "عراق" آزاد شود؟ آنها به هر دو سوال پاسخ منفی دادند . جنبشی را که پاسداران به اغتراف فرماندهانش قدرت مقابله با آن را ندارند و وابسته به بیگانه خواندن ، اگر مفرضانه نباشد زهی بی انصافی است . ویا شعار خود مختاری را که بیش از چهار سال است مردم کردستان در راه تحقق آن این همه فداکاری نموده و دهها هزار قربانی داده اند " بهانه قلمداد کردن اگر ناشی از سوء نیت نباشد دلیل بر بی اطلاعی محض است .

آقای بنی صدر در صفحه ۲۰۳ می نویسد : " راحلی که فاسطو پیشنهاد کرد به مذاق رجوی خوش آمد . پیشنهاد این بود که بیست و سه کشور های بزرگ و دشمنان ایران بمنظور بدست آوردن وسایل سرنگونی خمینی مذاکره شود . این مساله مربوط به موقعی است که حزب دمکرات در شورای ملی مقاومت عضویت داشت و شورا سعی می کرد به آلترناتیو تبدیل شود . در چنین حالتی بسیار منطقی است کسی که قصد دارد در آینده نخست وزیر ایران بشود با همه کشورهای جهان ، بویژه کشورهای که مسائل ایران بنحوی با آنها ارتباط پیدا می کند تماس بگیرد . جای تعجب است که هنوز هم آقای بنی صدر دشمنان خمینی را بیست و سه دشمنان ایران اشتباه می کند ! در صورتی که بیش از ده سال است حزب دمکرات شخص خمینی را دشمن درجه یک ایران می داند و در حال حاضر بیش از ۹۰٪ مردم ایران نیز به همین نتیجه رسیده اند . باید از آقای بنی صدر پرسید کدام دشمن بیش از خمینی و حاکمات آخوندی به میهن ما ایران

ضربه وارد آورده است ؟

آقای بنی صدر در صفحه ۲۰۵ چنین می نویسد : " . . . شورا طرح خود مختاری کردستان را تصویب نمود . طرح اصلی قاسطو بیشتر تجزیه بود ولی من مقاومت کردم ، تهدید بیهوده استمفا کردم و چون هنوز با عراق کاملاً نساخته بودند و نمی توانستند از من جدا شوند ، تسلیم شدند . " این همان داستان کهنه ای است که هنوز هم از سوی آقای بنی صدر و اشغال او تکرار می گردد ! . آقای بنی صدر خود را ایرانی تر از دکتر قاسطو ، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران بشمار می آورد و این عقیده در مغزش جا گرفته که حزب دمکرات خیال تجزیه کردستان را در سر می پروراند و او رسالت تاریخی بعهدده دارد که از این فاجعه جلوگیری نماید . اما اولاً اگر حزب دمکرات قصد جدائی داشت بدون هیچ واژه های آن را اعلام می کرد ، چرا که به تعیین حق سرنوشت خلقها اعتقاد دارد . همچنانکه برخی از سازمانها کرد در کردستان عراق و ترکیه ، علناً خواست جدائی و استقلال کردستان مطرح می نمایند . حزب دمکرات از آغاز فعالیت خود تاکنون ، همیشه خواهان خود مختاری در چهارچوب کشور ایران بوده و هیچگاه خواسته اش را از حدود مرزهای ایران تجاوز نکرده است . اصولاً در حال حاضر در کردستان ایران هیچ نیروی سیاسی که خواست جدائی از ایران باشد وجود ندارد . علاوه بر این همه این مسائل را دبیرکل حزب ما بموقع خود ، در دوران عضویت حزب در شور ای ملی مقاومت به تفصیل برا آقای بنی صدر توضیح داده است .

کلاچینی از عملیات پیشمرگان حزب

منطقه "سپهر سنگ"
نیروی قندیل

۱۳۶۸ / ۲ / ۲۳



سردشت
نیروی گیارنگ

۱۳۶۸ / ۲ / ۲۶

دسته‌ای از پیشمرگان نیروی گیارنگ پارک موتورهای پارگان سردشت واقع در یک کیلومتری این شهر را زیر آتش سلاحهای خویش گرفتند. چندین دستگاه ماشین آیف‌سا و دو دستگاه اتوبوس ارتشی بر اثر این حمله در آتش سوختند و پیشمرگان سالم از منطقه عطیات دور شدند.

۱۳۶۸ / ۲ / ۲۹

در مسیر جاده سردشت به آبادی "کوله‌سه"، پیشمرگان به کمین افراد دشمن نشستند. در جریان یک عطیات کوتاه مدت ۲ نفر را به اسارت گرفتند که یکی از آنها زخم برداشته بود. ضمن کنترل ماشینهای شخصی یک نفر دیگر از افراد دشمن اسیر شد.

اسامی اسیران:

۱. احمد قادرزاده از اهالی...
- مهاباد محل خدمت به رژیم پایگاه "کانسی بی".
۲. علی احمدی بهر تانک اهل قسم...

پایگاه "کوتاو" واقع در میان پایگاههای "هملوی" و "سپه‌کان" در ناحیه "بهری میرگان" بیرانشهر از سوی پیشمرگان شاخه یک از نیروی قندیل مورد حمله قرار گرفت. ظرف ۵ دقیقه آتشباری بر روی این پایگاه خسارت و تلفات نامعلومی بر افراد مستقر در آن وارد آمد. در این عملیات رفیق پیشمرک یونس رسولی اهل "داسرورگه" از منطقه نفاذ شهید گردید.

منطقه "چنوب"
نیروی زاگروس

۱۳۶۸ / ۲ / ۲۵

پیشمرگان شعب ۲۵ اردیبهشت به داخل شهر میوان نفوذ کردند و خیابان برق و سله‌های حد فاصل میان جهاد سازندگی و بیمارستان را زیر کنترل خود درآوردند.

پیشمرگان از نزدیک با مردم به گفتگو پرداختند و نشریات حزبی را در میان آنان پخش کردند. آنکس که در ساعت ۹ بعد از ظهر مقر جهاد سازندگی را مورد حمله قرار داده با آتش سلاحهای خود تلفات و خسارات زیادی بر دشمن وارد آوردند.

محل خدمت به رژیم پایگاه کانسی بی پاسدار.

۳. عبدالله فانی اهل سردشت فرمانده پایگاه "کوله‌سه" سفلی جاش. غنائیم پیشمرگان:

۳. قهزبه تفنگ کلاشنیکوف، ۶۱ خشاب و ۳۹ فشنگ بوده است.

سپهر
نیروی شهید پیشوا

۱۳۶۸ / ۲ / ۲

پیشمرگان به پایگاه دشمن در آبادی "پشت تپ" در نزدیکی پارگان مهاباد حمله کردند. در این عملیات ۴ نفر از افراد رژیم کشته شدند و خساراتی نیز بر پایگاه وارد آمد.

سپهر
نیروی بیان

۱۳۶۸ / ۲ / ۹

پایگاه دشمن مستقر در آبادی "قافلاوا" در منطقه بوکان مورد حمله پیشمرگان نیروی بیان قرار گرفت. نیم ساعت آتشباری بر روی این پایگاه خسارات و تلفاتی بر آن وارد ساخت که

بقیه: سخنی چند ...

این صورت هدف از طرح مساله به شیوه‌ای اینگونه نادرست از سوی آقای بنی صدر پس از چند سال چیست؟ آیا واقعا هنوز هم او عقیده دارد که حزب دمکرات تجربه طلب است؟ اگر چنین نظری داشته باشد جای تأسف و تأثر بسیار است. ناگفته نماند که طرح مصوب شورای ملی مقاومت درباره خودمختاری که آقای بنی صدر نیز آن را اضا' نموده است، هیچ تفاوت اساسی با طرح پیشنهادی حزب دمکرات ندارد. حزب ما هنوز هم طرح شورا را قبول دارد و آن را اساس مناسبی برای تحقق خودمختاری در کردستان می داند. ما امیدواریم آقای بنی صدر نیز همین نظر را داشته باشد. بیش از ده سال از انقلاب ایران می گذرد. این ده سال می بایست برای اندیشیدن در مورد علل شکست انقلاب و انتخاب درست راه آینده کافی باشد. کتاب آقای بنی صدر نشان می دهد که او هنوز هم از تحلیل واقع بینانه حوادث فاصله بسیار دارد. آقای بنی صدر در کتاب خود اهمیت بسزائی برای دمکراسی و اراده مردم قایل است، این البته از نقاط مثبت کتاب بشمار می رود. لیکن دمکرات بودن، در ضمن احترام قایل شدن برای نظرات، خواستها و برداشتهای دیگران است. دمکرات بودن همچنین پرهیز از وارد کردن اتهامات بی پایه و بهره گرفتن از افترا و برجسپ زدن، و در مقابل طرح مسائل و اظهار نظر بیطرفانه درباره آنهاست. آقای بنی صدر که

بقیه: گلچینی از ...

از میزان درست آن اطلاعی بدست نیامده است.

۱۳۶۸/۳/۱۸

پیشمرگان در مسیر جاده بوکان - شاهیندژ به کمین افراد دشمن نشستند. ساعت ۸ بعد از ظهر یک ماشین توپوتا با ۳ نفر سسرنشین به کمین افتاد. با کشودن آتش بر ماشین ۲ نفر از سرنشینان آن کشته و سومی موفق به فرار شد. از کشته ها یکی بنام حاجی نویدی فرمانده گردان ضربت "یک شهوه" شناسایی گردید. غنیمت پیشمرگان یک تفنگ کلاشینکوف بود.

نیروی آربابا

۱۳۶۸/۳/۱۸

پیشمرگان نیروی آربابا ساعت ۶ بعد از ظهر در حوالی آبادی "سالوک" در ناحیه "حهوتنه وانه" بانه با نیروهای دشمن درگیر شدند. افراد

محکوم می کند، چگونه است که از یکی از شیوه های معروف اینان که برجسپ زدن بدون استدلال و بدون ارائه مدرک است، پرهیز نمی کنند؟ تنها به قاضی رفتن و فقط دیگران را متهم ساختن و با گذشته خود انتقادی برخوردار نکردن و خود را فرشته قلمداد نمودن، نه از اصول دمکراسی بشمار می رود و نه دردی از مشکلات کشور مازای تواند درمان کند. آن هم در حالیکه مبین ما بیش از هر زمان دیگری نیاز به برخورد انتقادی نسبت به گذشته، به منظور اندیشیدن و چارمجوی درباره

دشمن در یک زد و خورد کوتاه درهم کوبیده شده و رویه فرار نهاده. همزمان دسته های دیگر از پیشمرگان پایگاه مستقر در آبادی را مورد حمله قرار دادند. در این عملیات تعداد نامعلومی از افراد دشمن کشته و زخمی شدند و خساراتی نیز بر پایگاه وارد آمد.

نیروهای گیارنگ و زمزیران

۱۳۶۸/۲/۲۷

گروهی از پیشمرگان نیروهای گیارنگ و زمزیران در نزدیکی آبادیهای "نارست" و "بنوخلف" در ناحیه "بلفت" سردشت با نیروهای رژیم درگیر شدند. نیروهای رژیم اثر ضربات پیشمرگان درهم شکسته و ناچار به فرار شدند. در این عملیات ۴ نفر از افراد دشمن کشته و عده ای دیگر زخمی شدند.

نیروهای آربابا و شهید پیشوا

۱۳۶۸/۳/۵

نیروهای رژیم در ارتفاعات "میدانان" در محلی بنام "گوماوان" پیشمرگان حزب از نیروهای پیشوا و آربابا را مورد یورش قرار دادند. درگیری از ساعت یک بعد از ظهر تا غروب آفتاب ادامه پیدا کرد. شمار زیادی از افراد دشمن کشته شدند. جسد ۲ تن از آنان بنامهای کریم صدی فر، ستوان دوم زاندارمیری و علی زینسی سرپاز اهل تبریز شناسایی شد. یک قبضه تفنگ کلاشینکوف و یک دستگاه بیسیم بی آرسی ۷۷، یک نارنجک دستو و یک کبسه خواب به غنیمت گرفته شد.



خانمهای هرچند که لقب آیت الهی هم گرفته است مرجع تقلید نیست، در نماز جمعه ۱۹/۳/۶۸ گفت: "آنها تکیه مرجع تقلیدند یا آگاهی سیاسی ندارند و یا مخالف شرکت در کارهای سیاسی و امور حکومت اند"، و برای توجیه جانشینی خانمهای از خمینی نقل قول کرد که در مسأله افتخاب رهبری نظام، مرجعیت شرط نبوده بلکه اگر مجتهدی عادل و مورد تأیید خبرگان محترم سراسر کشور باشد برای جانشینی کافی است.

واقعه خونین میدان تی آنان مین چیـــــــــــــــن

تظاهرات یکماهه نیسه، دانشجویان در یکن، برای گسترش آزادیهای دموکراتیک در چین که از اواخر فروردین ماه شروع گردیده بود، سرانجام باختن از طرف حکومت چین سرکوب گردید.

تظاهرات دانشجویان در میدان تی آنان مین و پشتیبانی رو به گسترش مردم چین و افکار عمومی جهانسی از آنها، رهبران حکومت چین را دچار نگرانی جدی کرده بود. دولت چین نخست با اعلام حکومت نظامی بسه تظاهرکنندگان هنداراد که میدان را تخلیه نمایند، بعد به محاصره نظامی آنها پرداخت و بالاخره چون نتیجهای حاصل نشد، ارتش بسا خشونت وارد عمل شد و اجتماع تظاهرکنندگان را برهم زد.

بنابه پاره‌ای گزارشات شمار کشته‌های این سرکوب خونین بسه هزاران نفر می‌رسد.

ضمن آن بمناسبت درگذشت بنیانگذار جمهوری اسلامی يك هفته تعطیل رسمی و چهل روز عزای عمومی اعلام کردند.

مردم روستاها و شهرهای کردستان که نتوانستند خوشحالی خود را از مرگ "بت برگ" پنهان دارند مورد آزار و اذیت نیروهای رژیم واقع گشتند. در شهرهای مهاباد سردشت و چند شهر دیگر، شمار زیادی از مردم به اتهام خودداری از عزاداری دستگیر شدند.

خانمهای رهبر تازه رژیم اسلامی

بلافاصله بعد از مرگ خمینی، مجلس خبرگان خانمهای را به عنوان رهبر جمهوری اسلامی و جانشین خمینی تعیین نمود. در اطلاعیه مجلس خبرگان آمده بود: "مجلس خبرگان با آگاهی کامل از توطئه‌های خناسان و دشمنان اسلام و انقلاب در داخل و خارج نسبت به آینده نظام جمهوری اسلامی و جهت آمادگی لازم در مقابل هرگونه رویدادی، بادر نظر گرفتن اوضاع و احوال داخلی و خارجی و... در جلسه فوق العاده مورخ ۱۴/۳/۶۸ با اکثریت بیش از چهار پنجم اعضای حاضر ۱۰ رأی موافق از ۷۴ عضو حاضر در جلسه حضرت آیت الله سیدعلی خانمهای را به رهبری نظام جمهوری اسلامی برگزید."

رضنجانی در جواب اینکه برطبق قانون اساسی جمهوری اسلامی رهبر نظام باید مرجع تقلید باشد و

درگیریهای بلوچستان!

عباس سلیمی سردبیر روزنامه کیهان هوایی، در گفتگویی با رادیو بی. بی. سی مطالبی دربارۀ برخورد های بلوچستان ایران بیان داشت. بنابه ادعای نامبرده اشخاصی که مسلحانه در بلوچستان رو در روی نیروهای مسلح حکومتی می ایستند، از سوی حکومت سمودی وسای سردول منطقه تحریک شده‌اند تا مانع اجرای برنامه‌های دولت در آن منطقه بشوند و گزنه کار اصلی آنها خرید و فروش مواد مخدر است.

خبرگزاری فرانسه درباره درگیریهای بلوچستان خبر داد که فقط در يك فتره برخورد، بغیر سراز عده‌ای غیر نظامی، ۲۷ نفر از افراد مسلح دولتی کشته شده‌اند.

بدین ترتیب معلوم می‌گردد که درگیریهای مسلحانه در بلوچستان اوج بیشتری یافته و دارای ماهیت سیاسی هستند. بیپرده نیست چند ماه است رژیم در زیر افافه مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر صحبت از سرکوبی اشرا و ضد انقلاب می‌کند و به مناطق بلوچ نشین لشکرکشی می‌نماید. دیگباتور سرد!

صبح روز ۱۴ خرداد ماه، رادیو تهران خبر مرگ خمینی را اعلام کرد. در پی اعلان این خبر، مسؤولان سه‌جوه مجریه قضائیه و مقننه به‌مراه نخست وزیر

ادامه جنایات رژیم در کردستان

رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی ایران بی اعتنا به نارضاایتی و بیزاری افکار عمومی بین المللی که در رابطه با موج اعدام زندانیان سیاسی علیه خود برانگیخته است ، این اعدامها را همچنان ادامه می دهد . در شماره های قبلی " کردستان " اسامی شعاری از کسانی را که در رابطه با جنبش کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران در زندانهای رژیم در برابر جوخه اعدام مزدوران ارتجاع قرار گرفته به شهادت رسیده اند ، درج نمودیم .

اینک خبر از اعدام عده دیگری از این زندانیان سیاسی رسیده است

که برای اطلاع افکار عمومی به انتشار نام آنها مبادرت می ورزیم :

تاریخ و محل اعدام	تاریخ و محل دستگیری	اهل	نام و نام خانوادگی
۱۳۶۸ / ۲ / ۳۱ ارومیه	---	"مه لوونه" شمال کردستان	۱. زیرو پسر تیمور
بهار ۱۳۶۸ ارومیه	۱۳۶۷ / ۴ / ۱۴ منطقه سومنا	"سپید تره" شمال کردستان	۲. حسن محمد بن پیر
بهار ۱۳۶۸ ارومیه	۱۳۶۶ / ۵ / ۱۱ منطقه سومنا	"تیرمن" سلماس	۳. نظام مرادی
بهار ۳۶۸ ارومیه	---	"بهیتاس" مهاباد	۴. مصطفی بهرامی وند

رادیو صدای کردستان ایران

نه سال کار بدون وقفه

روز بیست و هفتم خرداد ماه امسال رادیو صدای کردستان ۹ سال کار مداوم را پشت سر گذاشت و به همین سال فعالیت انقلابی خویش پانهاه . رادیو صدای کردستان ایران که به عنوان صدای جنبش ملی دمکراتیک کردستان در خرداد ماه سال ۵۹ با امکانات بسیار محدودی شروع به کار نمود ، در مدت ۹ سال مبارزه علیه رژیم سرکوبگر آخوندی علی رغم مشکلات گوناگون، که بر سر راهش بودند ، زنده و

خروشان به کار مستمر و مؤثر انقلابی خود ادامه داده است و اکنون در حالی دهمین سال فعالیتش را آغاز می کند که جای برجسته و انکارناپذیری برای خود در جنبش باز کرده ، و

محبوبیت و اعتماد بی نظیری در بین توده های مردم بدست آورده است . این افتخار بزرگی است که حزب دمکرات و پیروژه کردانندگان این رادیو می توانند به حق از آن برخوردار گردند . سرآغاز دهمین سال

فعالیت بی وقفه و پیر ثمر صدای کردستان ایران را گرامی می داریم ، با تصمیم و این امید که این صدا همچنان صدای پرخروش جنبش انقلابی کردستان باقی بماند !

رادیو صدای کردستان ایران

همه روزه : به دو زبان کردی و فارسی
برج گشتا ، رده های :

۴۱،۴۹،۷۵ متر

برنامه اصلی در ساعت ۱۲:۳۰ الی ۲ بعد از ظهر
سین همن برنامه در ساعت ۸ الی ۹:۳۰
برنامه کردی روز بعد در ساعت ۶:۳۰ الی ۷:۳۰
صبح بخیر سرگردد .